

فهرست	
شماره صفحه	موضوع
-1-	عظمت و اهمیت قرآن در آیات و احادیث
-1-	ادب خواندن قرآن
	تجوید
	لهجه عربی
	مخارج حروف
	صفات حروف
	صفات حروف 1 (استعلاء)
	صفات حروف 2 (استفال)
	حروف مشده (قطب جد)
	احکام «ن» ساکنه و تنوین
	احکام «م» ساکنه
	احکام مد
	علائم وقف و ابتدا
	ادغام (متماثلین)
	ادغام (متجانسین)
	ادغام (متقاربین)
	منابع

این حرف به اصطلاح نوک زبانی ادا می شود. نازک و کم حجم است. درحالی که نوک زبان با دندان های جلو در ارواره بالا تماس دارد. هوا را از کنار و بین زبان و دندان عبور می دهیم.

: «حرف ص»

پر حجم تلفظ می شود و در زمان تلفظ نباید صدای سوت بدهد.

: «حرف ذ»

تقریباً مانند تلفظ «ث» است و از تماس میانه زبان با دندان های بالایی صورت می گیرد. همچنین کم حجم خوانده می شود.

: «حرف ض»

از تماس کناره زبان با دندان های آسیای بالا حاصل می شود و صدایی پر حجم و درشت بوجود می آید. از لحاظ تلفظ تقریباً سخت ترین تلفظ را دارد که ملزم توجه بسیار است.

: «حرف ظ»

پر حجم و درشت تلفظ می شود. این تلفظ بسیار شبیه «ض» است با این تفاوت که در این، هوا در دهان حبس و سپس آزاد می گردد.

: «حرف ح»

با گرفتگی خاصی در حلق بوجود می آید. شبیه کسی که پوست تخمه ای در گلوش گیر کرده باشد و با فشار قصد بیرون انداختن آن را دارد.

: «حرف ع»

از میان حلق و به نرمی خارج می شود.

: «حرف غ»

از همان محل حرف «ح» خارج می شود و مانند غرغره کردن است با این تفاوت که خراش ندارد.

: «حرف و»

برای تلفظ حرف واو لب بصورت غنچه می شود و صدایی مانند شیون زنان بوجود می آید.

: «حرف ط»

این حرف درشت ترین و پر حجم ترین و قویترین حرف زبان عربی است.

صفات حروف :

کلمه صفت در معنای لغوی به معنای حالت یک شی و در تجوید به معنای کیفیت ایجاد و خروج حرف از مخرج آن است. دانشمندان علم قرانت در تعداد صفات اختلاف نظر دارند. ولی یکی از مرسوم ترین آن ها نظریه ابن الجزری است که تعدادشان را ۱۷ عدد دانسته است که به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می شوند. اصلی ها عبارتند از :

جهر ضد آن همس
شده ضد آن رخاوه
اصمات ضد آن اذلاق
اطباق ضد آن انفتاح
صفات فرعی عبارتند از : صغیر، قلقله، لین، انحراف، تکریر، تفضی، استطاله.

صفات حروف ۱ (استعلاء) :

استعلاء در لغت به معنای برتری طلبی و میل به بلندی و در تجوید به معنای میل ریشه زبان به سوی سقف دهان در هنگام قرانت می باشد. حرف در اثر این صفت حالت پر حجم و درشتی به خود می گیرد که به این حالت تفخیم می گویند. «حروف استعلاء عبارتند از «ص، ض، ط، ظ، خ، غ، ق»

*نکته : در هنگام تلفظ این حروف دهان بصورت عمودی باز می شود و حرف پر حجم خوانده می شود.

مثال:

حرف «ص»: «صَلَّ - صَدَّقَ - صَالِحِينَ - صِرَاحاً

حرف «ض»: «ضَرَبَ - ضَالِینَ - یخوضونَ

حرف «ط»: «بَطَّشْتُمْ - یطوفُ - محیط - لطیف

حرف «ظ»: «ظَلَمَ - منظرین - غلیظ

حرف «خ»: «خَتَمَ - خَبَرَ - خَرَجُوا خِلافًا

حرف «غ»: «غَلَبَتْ - غَافِلینَ - غیر

حرف «ق»: «بَقَدَرِ - قَتَلُوا - قریبا

*نکته : هرگاه کسره بر سر حرف استعلاء بیاید از شدت آن کاسته می شود و به چیزی بین تلفظ عادی و تفخیم قرار می گیرد.

صفات حروف ۲ (استفال) :

استفال در لغت به معنای پایین آمدن پست شدن می باشد و در تجوید به معنای پایین آمدن ریشه زبان و دور شدن آن از کام بالا است. در اثر این صفت حرف با صدای نازک و کم حجم تلفظ می شود که به این حالت ترقیق گفته می شود. برای تلفظ آن دهان بصورت افقی باز می شود. همان طور که در قبل گفتیم استفال ضد استعلاء است بنابراین این تمام حروف عربی بغیر از حروف استعلاء، استفال هستند.

حروف مشده (قطب جد) :

در بین حروف عربی ۵ حرف وجود دارند که به هنگام تلفظ حالت ساکنشان ادانی می شوند. که عبارتند از «ق، ط، ب، ج، د». این حروف صفت قلقله دارند و از قوانین خاص خود پیروی می کنند که در آینده به آن اشاره می شود.

قلقله :

در لغت به معنای جنبش و حرکت است. در تجوید هرگاه بخواهیم حروف قطب جد را در حالت ساکن تلفظ کنیم به آنها جنبش کوچکی داده می شود که در اصل کسره، فته و ضمه نیست بلکه چیزی میان اینان و مایل به کسره است که به آن قلقله می گوئیم.

* نکته : مابقی حروف بطور عادی بر اساس قوانین وقف خوانده می شوند که به آنها اشاره خواهد شد.

مثال : فلق - کتاب - ابراهیم - احد - تجری - اطعام - خلقنا - سبحان - محیط

احکام نون ساکنه و تنوین :

نون ساکنه و تنوین با توجه به حرفی که بعد از آن قرار می گیرد ۴ حالت پیدا می کند که احکام چاهار گانه ادغام، اظهار، اخفاء و اقلاب را در پی می آورد.

ادغام :

ادغام در لغت به معنای فروبردن می باشد و در اصطلاح قرانت به معنای فرو بردن حرف ساکن در حرف بعد از خود است به طوری که حرف اول حذف و حرف دوم مشدد، همراه با کمی کشش خوانده می شود.

«این قانده به قانده یرملون نیز مشهور است زیرا حرف های عامل ادغام عبارتند از: «ی، ر، م، ل، و، ن»

نکته : میزان کشش در حروف یرملون باهم متفاوت است. حروف یمون (ی، م، و، ن) بغير از مشدد خوانده شدن دو حرف * کشیده می شوند و همراه با غنه (خارج کردن حروف از بینی) هستند ولی حروف «ل» و «ر» یک حرف کشیده می شوند و غنه نیز ندارند.

مثال: من یشاء - من لدنک - ان نحن - من ربکم - یومئذ واجفه - قرار مکین - من وال

اظهار :

اظهار در معنای لغوی به معنای نشان دادن و مشخص بودن و در علم تجوید به معنای اداء حرف از مخرج خودش است.

اگر نون ساکنه یا تنوین به یکی از حروف ششگانه حلقی (ع، ح، خ، ع، غ) برسد بدون هیچ تغییری و یا کششی به طور عادی تلفظ می شود.

مثال: من امرهم - منهم - حکیم خبیر - سمیع علیم - حکیم حمید

اخفاء :

اخفاء به معنای پنهان کردن و پوشاندن است. هرگاه نون ساکنه یا تنوین به حروفی به غیر از حروف حلقی و یرملون و حرف «ب» برسد اخفاء می شود. یعنی همراه با غنه و کمی کشش (دو حرکت) تلفظ می نماییم.

مثال: انفسهم - انتم - من دارهم - لذنکآ - نفساً زکیه - صفاً صفاً - غفوراً شکوراً - شی قدیر

«غنه»: غنه اخفاء هر حرف با بقیه حروف متفاوت است که به علت بالاتر بودن سطح آن از سطح این کتاب آن را مطرح نمی‌کنم.

اقلاب:

اقلاب از نظر لغوی به معنای تبدیل کردن و متحول کردن و در تجوید به معنای تبدیل کردن نون ساکنه یا تنوین به «م» است. این اتفاق زمانی می‌افتد که نون ساکنه یا تنوین به حرف «ب» برسد. شایان ذکر است که صدای میم تولیدی باید کاملاً در فضای بینی (غنه) باشد و با اندکی کشش (دو حرکت) اداء گردد.

مثال: من بعد - انبیاء - شنبه - سمیع بصیر - ابدأ بعیدا

احکام میم ساکنه :

میم ساکنه در مجاورت حروف بیست و هشت گانه عربی به یکی از این سه حالت برمی‌خورد.

ادغام:

هرگاه میم ساکنه به «م» در حرف بعد از خود برسد اوی حذف و دومی مشدد، با غنه و همراه با کمی کشش اداء می‌شود.

مثال: کنتم مومنین - لهم ما یشتھون

اخفاء:

هرگاه میم ساکنه به «ب» برسد اخفاء می‌شود یعنی با غنه و همراه با کمی کشش اداء می‌شود.

مثال: کم بها - بعضکم بعضا - ام به

اظهار:

میم ساکنه نزد بقیه حروف اظهار می‌شود یعنی بطور طبیعی تلفظ می‌شود.

مثال: علیهم ولدان - ام نحن

علائم وقف وابتدا :

قلی: اگر وقف کنیم بهتر است. وقف اولویت بر وصل دارد.

صلی: اگر وصل کنیم بهتر است. وصل اولویت بر وقف دارد. در صورت وقف کردن نیز مشکلی پیش نمی‌آید ولی معمولاً در مسابقات ایراد می‌گیرند.

ج: وقف جایز است.

ی: وقف در یکی از دو مورد جایز است. * * *

م: وقف لازم است و باید وقف کنیم.

لا: وقف جایز نیست.

ادغام (متماثلین):

با تعریف ادغام در گذشته آشنا شدید حال به تعریف کلی ادغام اشاره می کنیم. اگر بعد هر حرف ساکنی خودش بیاید (یعنی در صفات و مخرج یکی باشند) ادغام متماثلین رخ می دهد. مثال: قل لمن - لهم موسی - اضرب بعضاک - ربحت تجارتهم

ادغام (متجانسین):

اگر حرف ساکن و حرف بعد از خود هم جنس باشند (یعنی در مخرج مشترک و در صفات متفاوت) این ادغام رخ می دهد. این ادغام در حروف «ح، ع»، «ت، ط، د»، «ص، س، ز»، «ث، ذ، ظ»، «ب، م، و» و «ج، ش، ی» اتفاق می افتد. مثال: همت ظافه - قد تبین - یلهت ذلک - اذ ظلمتم

ادغام (متقاربین):

اگر دو حرف در مخرج و صفات به هم نزدیک باشند نگاه این ادغام صورت می گیرد. این ادغام در حروف «د، ج»، «ق، ک»، «ذ، ت» و «ل، ر، ن» اتفاق می افتد. مثال: قل ربی - بل ربکما

منابع :

- ۱- قرآن کریم
- ۲- موسوی بلده، سید محسن، حلیه قرآن سطح ۱ و ۲، ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی، نوبت چاپ: بیست و هشتم - تابستان ۷۵
- ۳- امید الله کاشانی، عباس، تعلیم و تجوید قرآن، انتشارات پیام آزادی، خرداد ماه ۱۳۶۲
- ۴- پاهنر، محمدجواد و برقی، سید رضا، خود آموز و تعالیم قرآن مجید، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی
- ۵- یورقرزیب، ابراهیم، تجوید جامع، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت) ۱۳۷۴
- ۶- نرم افزار آموزشی المانده ۲